



مصادیق رجوع به کارشناس در فقه امامیه و حقوق ایران

محمد اجاق^۱
محمدعلی صفا^{۲*}
مهدی بهره‌مند^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲

چکیده

نظر کارشناس، تحقیقی است که دادگاه به منظور تمییز حق با تمهید مقدمات آن به عهده‌ی شخص صلاحیت‌دار به نام کارشناس می‌نهد و از او می‌خواهد که اطلاعات فنی و تخصصی که در دسترس دادگاه نیست را در جهت حل و فصل دعاوی حقوقی و کیفری در اختیار دادرس قرار دهد. در واقع هدف از پژوهش حاضر بررسی فقهی و حقوقی مصادیق رجوع به کارشناس است که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای نگاشته شده و یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در شرایط فعلی و با تخصصی شدن امور و همچنین با توجه به پیچیده شدن پرونده‌های دادگستری مخصوصاً در زمینه‌هایی که قاضی هیچ تخصصی در این زمینه ندارد چاره‌ای جز استناد و رجوع به نظریه کارشناس وجود ندارد که قانونگذار برای اعتبار بخشیدن به قدرت اثباتی نظریه مذکور شرایطی را از جمله وثاقت کارشناس قرار داده است که در صورت محرز شدن آن شرایط، نظر کارشناس را معتبر می‌داند هرچند به جهت کثرت پرونده‌ها و سهل شدن جریان دادرسی حتی احراز عدالت را در پرونده‌های کیفری که به پزشکی قانونی ارجاع شده چون به سهولت امکان پذیر نیست، لازم نمی‌داند و نظریه پزشک را مورد استناد قرار می‌دهد. ولی وجود این شرایط هیچگونه دلالتی بر مکلف بودن قاضی به ترتیب اثر دادن نظر کارشناس در غیر از موارد عدم مطابقت با اوضاع و احوال محقق ندارد. فلذا قاضی در صورت لزوم به نظر کارشناس استناد خواهد کرد و نسبت به قبول یا رد آن مخیر است و در اصل قاضی بر اساس اختیار وسیع خود به بررسی و ارزیابی ادله خواهد پرداخت.

^۱ دانشجوی الهیات و معارف اسلامی گرایش رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جیرفت، کرمان، ایران. Ojagh48@gmail.com
^۲ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جیرفت، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) dr.mohammad.cafa@gmail.com
^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جیرفت، کرمان، ایران. bahrehmand.mehdi@yahoo.com

واژگان کلیدی: کارشناس، ادله اثبات دعوی، فقه امامیه، حقوق ایران.

مقدمه

یکی از وسایلی که برای اثبات دعوی به کار گرفته می‌شود کارشناسی است. در واقع کارشناس مترادف اهل‌الخبیره و اهل‌المعرفه شناخته شده و اهل‌خبیره کسانی معرفی شده‌اند که در موضوع مادی و یا معنوی معین دارای بصیرت و اطلاعات خاص که ممارست و متمادی آن حاصل شده است، می‌باشد. پس شخصی که به مناسبت دانش، شغل و مهارت و معلومات، توانایی تشخیص در موضوعی فنی و تخصصی را داشته باشد، خبره یا کارشناس گویند. برخی نیز در تعریف کارشناسی گفته‌اند: تحقیقی است که دادگاه به منظور تمییز حق با تمهید مقدمات آن به عهده‌ی شخص صلاحیتدار به نام کارشناس می‌نهد و از او می‌خواهد که اطلاعات فنی و حرفه‌ای که در دسترس دادگاه نیست در اختیار دادرس قرار دهد و یا انتقاد و استنباط خود را از قرائن فنی و علمی بیان کند. همچنین موضوع دارای جنبه‌ی فنی و تخصصی را که باید توسط کارشناس بررسی و اظهار نظر شود را کارشناسی نامند و تصمیم دادرس مبنی بر انجام کارشناسی را اصطلاحاً قرار کارشناسی یا قرار ارجاع امر به کارشناس گویند که ضرورت این امر ایجاب می‌کند به دنبال پاسخ به این پرسش باشیم که آیا مصادیقی برای رجوع به نظر کارشناس در فقه و حقوق ایران پیش بینی شده است؟ هرچند که پیشتر آثاری از پژوهشگران مختلفی چون هاشمی باجگانی، سید جعفر و سبحانی، میثم تحت عنوان « ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه » در بهار ۱۴۰۱، شماره ۱۰ در مجله تمدن حقوقی یا از نجفی توانا، علی و قربانی، علی اصغر با عنوان « تشخیص رفتار نوعاً کسندنده با تاکید بر نظرات کارشناسی پزشکی قانونی » در زمستان ۱۳۹۸، سال بیست و ششم، شماره ۹۵ در مجله پزشکی قانونی ایران یا از طاهری محمد و طاهری سهیل با عنوان « تعیین قواعد عمومی ارجاع به کارشناسی و انشای نظریه کارشناسی » در تابستان ۱۳۹۸، دوره جدید، شماره ۱۹ مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی یا صمدی، سید رسول با عنوان « بررسی حقوق کارشناسان رسمی دادگستری در حقوق ایران » در پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره ۸ مجله پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت به رشته تحریر درآمده است، اما جنبه نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر آثار در تطبیق فقهی، حقوقی مصادیق قرار کارشناسی می‌باشد که نخست موارد ارجاع به کارشناسی و نحوه تعیین کارشناس و قدرت اثباتی نظریه او را بررسی کرده و سپس به جهات در و معذوریت

کارشناس در حقوق ایران پرداخته و در بخش سوم ادله فقهی رجوع به نظر کارشناس مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱. موارد ارجاع به کارشناسی

استفاده از نظر کارشناسی وابسته به نظر قاضی است که ممکن است براساس درخواست طرفین دعوا و یا به تشخیص خود چنین اقدامی را انجام دهند. ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: دادگاه می‌تواند راساً یا به درخواست هریک از دعوا قرار امر ارجاع به کارشناس صادر نماید. علاوه بر این باید توجه داشت که برای ارجاع به امر کارشناسی باید شرایطی فراهم باشد. اول اینکه؛ موضوع کارشناسی باید از مسائل و امور موضوعی و ماهوی باشد نه حکمی چون تشخیص مسائل حکمی و قانونی با دادرس است نه کارشناس. دوم اینکه؛ در مواردی باید به کارشناس رجوع گردد که در پرونده رد رسیدگی موضوعی یافت شود، ممکن است بدلیل فنی و تخصصی بودن یا با دلایل دیگر دادگاه نتواند با تشخیص خود به واقعیت دست یابد و به اختلاف خاتمه دهد.

۱-۱. نحوه‌ی تعیین کارشناس و قدرت اثباتی نظریه وی

در قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، ارجاع امر کارشناسی از سوی مراجع قضایی به کارشناس، تابع قانون آیین دادرسی مدنی دانسته شده است. بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی، مرجع رسیدگی کننده در صورت عدم وجود کارشناسان متعدد در رشته‌ی مربوطه، کارشناس را با توجه به صلاحیت و نیز مورد وثوق بودن وی تعیین می‌نماید. ولی چنانچه در رشته‌ی مربوطه تعدد کارشناس وجود داشته باشد، چنانکه مقرر است یک نفر کارشناس تعیین گردد، از بین حداقل سه نفر از کارشناسان دارای صلاحیت و تخصص در رشته‌ی مزبور، یک نفر به قید قرعه به عنوان کارشناس تعیین خواهد گردید. در صورت لزوم ارجاع امر به کارشناسان متعدد، که به آنها هیئت کارشناسی اطلاق می‌گردد، تعداد کارشناسان تعیین شده باید فرد باشد. یعنی هیئت سه نفره، پنج یا هفت نفره تعیین می‌گردند که در تعارض و اختلاف آراء، نظر اکثریت ایشان در صورت برابری در تخصص، ملاک عمل قرار گیرد. به شرط آنکه منطبق با اوضاع و احوال مسلم قضیه باشد؛ چراکه در غیر اینصورت دادگاه یا مرجع رسیدگی کننده دیگر، خواهد توانست از ترتیب اثر بر نظریه‌ی کارشناس و متابعت از آن امتناع نماید.

لازم به ذکر است که اعتبار نظریه کارشناس در سیستم‌های مختلف حقوقی یکسان نیست. از آنجا که مرجع رسیدگی کننده با تشخیص تخصصی و فنی بودن موضوع، مبادرت به ارجاع امر به

کارشناس نموده است، لذا صرفاً در صورت عدم موافقت و مطابق نظریه‌ی کارشناس با اوضاع و احوال مسلم و معلوم قضیه حق عدم ترتب اثر بر آن یا عدم متابعت از آن را دارد. تشخیص مطابقت و عدم مطابقت نظریه‌ی کارشناس با اوضاع و احوال مسلم قضیه، با دادگاه است که رأساً و یا با عنایت به موارد اعلامی از سوی معترض به نظریه کارشناس، چنین امری را احراز خواهد نمود (سعیدی، ۱۴۰۲: ۲۹۲). ولی تا قبل از احراز عدم مطابقت و مطابقت نظریه‌ی کارشناس با اوضاع و احوال معلوم و مسلم قضیه، مرجع رسیدگی کننده مطابق نظریه‌ی کارشناسی مزبور، مبادرت به اتخاذ تصمیم خواهد نمود و حق عدول از نظریه‌ی ابرازی را ندارد. در پاسخ به این پرسش که آیا در صورت عدم مطابقت قسمتی از نظریه‌ی کارشناس با اوضاع و احوال مسلم و معلوم قضیه، برای مرجع رسیدگی کننده امکان تفکیک نظریه‌ی مزبور و ترتب اثر به قسمتی از آن که منطبق است و عدم متابعت از قسمت دیگر نظریه به لحاظ عدم انطباق وجود خواهد داشت؟ می‌توان گفت با توجه به اطلاق عبارت مندرج در ماده‌ی ۲۶۵ قانون دادرسی مدنی قائل به وجود چنین اختیاری گردید. در مورد غلبه‌ی نظریه اکثریت هیئت کارشناسان، که در صورت مطابقت آن با اوضاع و احوال مسلم قضیه مبنای تصمیم دادگاه نیز واقع خواهد گردید. از سوی قانونگذار شرط دیگری به این امر افزوده شده و آن، مساوی بودن تمامی کارشناسان از حیث تخصص می‌باشد. بدین معنی که نظریه‌ی اکثریت کارشناسان که دارای تخصص لازمه در موضوع مورد کارشناسی نباشد، نمی‌توان مانع از ترتب اثر بر نظریه‌ی کارشناس یا کارشناسانی گردد که در اقلیت قرار دارند (مدنی، ۱۳۸۶: ۷۲).

۱-۲. مصادیق رجوع به کارشناس در امور حقوقی

از مهمترین مصادیق ارجاع به کارشناس در امور حقوقی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

۱-۲-۱. ارجاع به کارشناسان رسمی دادگستری، غیررسمی و خبرگان محلی

معمولاً دادگاه در دعوی مدنی، تجاری، ثبتی و... در موارد تخصصی و فنی موضوع را به کارشناس ارجاع می‌دهد تا رأساً با انجام تحقیقات و بررسی‌های لازم نظر خویش را اعلام نماید. و گاه دادگاه در تحقیقات خود (معاینه محل) چنانچه مستلزم تخصص فنی و دانش ویژه‌ای که دادرسی بهره است، باشد از کارشناس بهره می‌گیرد (شمس، ۱۳۸۷: ۲۱۲). به طور کلی رجوع به کارشناس با توجه به لیست گروه‌های ۱۱ گانه‌ی کارشناسی و رشته‌های زیر مجموعه‌ی گروه‌ها، بسیار متنوع و

مختلف است.^۱ به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود:

- تشخیص و احراز تعدّی و تفریط موجر: باتوجه به ماده‌ی ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر (ساعتچی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰) «برای احراز تعدّی و تفریط در مورد اجاره، نیاز به جلب نظر کارشناس خبره و مطلع در خصوص املاک و مستغلات است» (واحدی، ۱۳۷۹: ۱۶۷).
- تشخیص اراضی ملی (مراتع و جنگلها): رسیدگی به دعاوی مربوط به مبنای طبیعی و حل اختلاف میان اشخاص (حقیقی و حقوقی) با منابع طبیعی و تشخیص اراضی ملی بر عهده‌ی کمیسیون ماده واحده‌ی قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده‌ی ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲ می‌باشد که خود مرجعی کارشناسی و تخصصی است (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۴۱).
- ارزشیابی و تعیین قیمت (تقویم): یکی از بیشترین موارد ارجاع به کارشناس جهت تعیین قیمت و ارزشیابی اموال منقول و غیرمنقول است.
- ارجاع به کارشناس در امور ثبتی: تفکیک قسمتی از ملک فاقد نقشه،^۲ تهیه‌ی نقشه‌ی ملک مورد تحدید، اجرای حکم افراز (آذروپور، ۱۳۸۵: ۱۵۹) و تشخیص و تعیین حریم ملک از جمله مواردی است که به کارشناسان ثبت ارجاع می‌شود (شهری، ۱۳۸۲: ۴۱۴). به طور کلی دادگاه‌ها در پرونده‌هایی که موضوع آن‌ها امور ثبتی است، به کارشناسان متخصص ثبتی ارجاع می‌دهند (بازگیر، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

۱-۲-۲. ارجاع به پزشکی قانونی (در دعاوی مدنی)

هر چند امور مربوط به دعاوی مدنی جزء وظایف اداری و رسمی پزشکان قانونی نیست، اما در این موارد انتخاب کارشناس از بین پزشکان قانونی در رشته‌ای که تخصص و خبرگی دارند، بلامانع است (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۷۹). از جمله مواردی که به کارشناسان پزشکی قانونی ارجاع داده می‌شود می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

- تشخیص و احراز نسب: یکی از اماره‌های احراز نسب نظر کارشناس در مورد تجزیه‌ی خون است. علاوه بر آزمایش خون ممکن است کارشناس با بررسی عوامل ارثی و

^۱ «گروه‌های ۱۱ گانه شامل (گروه منابع و معادن، ارزشیابی اموال منقول، امور پزشکی و غذایی، امور مالی، امور وسایط نقلیه، راه و ساختمان و نقشه‌برداری، صنعت و فن، فنون هنری، کشاورزی و منابع طبیعی، خدمات اداری و عمومی و ایمنی و حوادث) است. رشته‌های زیر مجموعه‌ی این گروه‌ها به پیشنهاد کمیسیون آزمون ۷۱ مورد اعلام و تصویب شده است». (ر.ک: سید احمد باختر، مجموعه‌ی کامل قوانین و مقررات کارشناسان رسمی دادگستری پیشین، صص ۱۴۹-۱۵۲).

^۲ ر.ک: «بند ۳۷۵».

زیست‌شناسی، نسب را احراز کند، البته نظر وی تنها در حد اماره‌ی قضایی است (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۵۷).

- نفی ولد با استناد به نظر کارشناسی: برخی از حقوقدانان معتقدند: اگر از طریق کارشناسی قضایی علم به انتفای نسب پیدا کند، باید دعوی نفی ولد را پذیرفت، هر چند اجبار شوهر توسط دادگاه برای رجوع به کارشناس و قبول آزمایش‌های پزشکی در دعوی نفی ولد را مخالف اصل آزادی و مصونیت شخص از تعرض دانسته‌اند (صفایی، ۱۳۸۲: ۲۹۵).
- تشخیص جنسیت (برای تعیین ارث حمل): برخی از حقوقدانان معتقدند: «با سونوگرافی از رحم زن می‌توان شمار حمل و جنس آنان را معین کرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۰۶). پس امروزه تعیین ارث حمل با استفاده از نظر کارشناس (پزشک) و تعیین جنس جنین، امری ممکن است.

۱-۳. مصادیق رجوع به کارشناس در امور کیفری

در تحقیقات کیفری، چون غالباً قاضی اطلاعات فنی و تخصصی ندارد، باید از نظر تخصصی اهل خبره در جهت کشف واقع استفاده کند. «... (حتی) در صورتی که بعضی از آثار از نظر قاضی حائز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست قاضی (مطابق با ماده‌ی ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری) نسبت به آن اظهار نظر نماید...؛ زیرا مسئول کشف حقیقت قاضی است نه متخصص. زیرا متخصص نتیجه‌ی آزمایش و تحقیق را بیان می‌کند» (مدنی، ۱۳۷۸: ۳۲۲). که به برخی از آنها می‌پردازیم؛

۱-۳-۱. ارجاع به کارشناس برای تعیین موضوع (میزان و آسیب وارده، اثبات جرم و مجرمیت و مسئولیت کیفری)

در دعوی کیفری، ضابطین دادگستری در تحقیقات مقدماتی برای کشف حقیقت به طور معمول از اظهار نظر متخصصان و کارشناسان در پزشکی قانونی و پلیس علمی بهره می‌گیرند. به طور مثال معاینه‌ی محل که مشاهده «و ضبط آثار و علامت موجود در محل وقوع جرم است» (آخوندی، ۱۳۷۴: ۱۰۰)، از مواردی می‌باشد که ممکن است دادگاه در تحقیقات مقدماتی به اهل خبره واگذار کند.^۱ در ماده‌ی ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «از اهل خبره هنگامی

۱. ر.ک: «ماده‌ی ۷۸ آیین دادرسی کیفری».

دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص، لازم باشد از قبیل پزشک، داروساز، مهندس، ارزیاب و دیگر صاحبان حرف...». بنابراین با توجه به ماده‌ی مذکور علاوه بر پزشکان قانونی و پلیس علمی، به تناسب موضوع از افراد متخصص به عنوان کارشناس در رشته‌های مختلف نیز دعوت خواهد شد.

۱-۳-۲. ارجاع به کارشناس برای بررسی شخصیت متهم و علل و انگیزه‌های جرم

بررسی شخصیت متهم از طریق آزمایش‌های پزشکی یا روان‌شناسی و بررسی اجتماعی، توسط متخصصان علوم انسانی، مانند پزشک روان‌شناس، جرم‌شناس، جامعه‌شناس و روان‌کاو به عمل می‌آید که به آن می‌پردازیم؛

- رجوع به روان‌شناس جنایی: «روان‌شناس جنایی به بررسی مربوط به حالات و آسیب‌های روانی جهت مطالعه‌ی شخصیت متهم و شناخت علل و انگیزه‌های تبهکاران می‌پردازد» (باقرپور، ۱۳۸۷: ۱۰۰).
- جامعه‌شناس و روان‌کاو: جامعه‌شناس و روان‌کاو نیز در تشخیص علت و انگیزه‌ی جرم با توجه به شخصیت متهم و موقعیت فردی و اجتماعی وی، محیط زندگی، دوستان و... اظهار نظر می‌کنند. البته «... تحقیقات و معاینات آنان درباره‌ی شخص متهم، شهادت تلقی می‌شود نه کارشناسی و اگر برای توضیح به جلسه‌ی دادرسی دعوت شوند، قسم شهادت یاد خواهند کرد» (همان: ۱۰۶).
- رجوع به کارشناس جرم‌شناس: در جرم‌شناسی عمومی علل وقوع جرایم و رفتار ضد اجتماعی افرادی که در مظان ارتکاب جرم بوده و حالت خطرناک دارند بررسی می‌شود. جرم‌شناسی از آن جهت حائز اهمیت است که در صورت پی بردن به شخصیت بزهکاران حرفه‌ای و به عادت، می‌توان با نظارت و برنامه‌ریزی، از وقوع جرایم ایشان جلوگیری کرد (گسن، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۶).

۱-۴. اعتراض به نظر کارشناس

زمانی که نظریه کارشناس به طرفین دعوی ابلاغ گردید می‌توانند تا ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ به دفتر دادگاه مراجعه و نظریه را ملاحظه نمایند تا چنانچه نسبت به نظریه‌ی مزبور نفیاً یا اثباتاً ادعایی داشته باشند، به طور کتبی اعلام نمایند. در صورت عدم وصول اعتراض، دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورت آماده بودن برای صدور رأی مبادرت به اصدار رأی خواهد نمود. در صورت

وصول اعتراض از سوی هریک از طرفین یا هر دوی ایشان و وارد دانستن اعتراض از سوی دادگاه، موضوع حسب مورد به کارشناس یا کارشناسان دیگر ارجاع خواهد گردید و با تعیین میزان دستمزد کارشناسان تعیین شده، معترض را مکلف به پرداخت دستمزد تعیین شده به ترتیبی که در خصوص کارشناس اولیه بیان شده، می‌نماید (حسینی نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

۲. تکالیف و جهات رد و معذوریت کارشناسان در حقوق ایران

باتوجه به اهمیت بحث کارشناسی و تکالیفی و موانعی که برای آنان در حقوق ایران مقرر شده است در این بخش نخست به تکالیف کارشناسان و سپس به جهات رد و معذوریت آنان پرداخته می‌شود.

۲-۱. تکالیف کارشناسان در حقوق ایران

کارشناس به تناسب رسالت و وظیفه‌ای که بر عهده می‌گیرد، ممکن است حسب مورد مسئولیت انتظامی، مدنی و یا حتی کیفری پیدا نماید. پس در صورتی که کارشناس در انجام وظیفه‌ای که بر عهده‌اش گذاشته شده است مرتکب تخلفی گردد که منجر به ایراد خسارت به هریک از طرفین گردد، شخص متضرر حق مطالبه‌ی خسارت وارده بر خود، ناشی از تخلف کارشناس را خواهد داشت. بدیهی است که این امر مانع از شکایت کیفری و یا انتظامی طرفین دعوی نسبت به تخلف کارشناس از وظایف مقررهی قانونی نخواهد بود؛ حتی اگر تخلف کارشناس منجر به ورود خسارت به ایشان نگردیده باشد. که در ذیل به هریک از این تکالیف می‌پردازیم:

۲-۱-۱. اتیان سوگند

کارشناسان رسمی به هنگام اخذ پروانه باید با حضور در جلسه‌ی هیئت مدیره‌ی کانون کارشناسان مربوطه، با حضور ریاست دادگستری استان یا نماینده وی سوگند یاد نمایند. اما در مورد کارشناسان خبره، علیرغم اعلام لغو شدن قوانین راجع به کارشناسان مصوب سال ۱۳۱۷، ۱۳۳۹ و ۱۳۵۸ حسب ماده ۴۱ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، با توجه به اشاره به برخورد مشابه با کارشناسان خبره در ماده‌ی ۳۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، می‌توان موضوع تکلیف اتیان سوگند را همچون گذشته برای کارشناسان خبره قائل گردید.

ولی از آنجا که در مرحله‌ی اخذ مجوز برای کارشناسی خبره، اتیان سوگند از سوی ایشان صورت نمی‌گیرد. لذا می‌توان همانند گذشته ایشان را اتیان سوگند در هر بار انتخاب شدن به کارشناسی مکلف نمود.

۲-۱-۲. اعلام جهات رد

در صورت وجود جهات رد کارشناسان منتخب از سوی مرجع رسیدگی کننده، ایشان مکلفند مراتب را به صورت کتبی به مرجع مزبور اعلام نمایند. امتناع از انجام این تکلیف تخلف انتظامی بوده و موجب محکومیت انتظامی کارشناس متخلف خواهد گردید (خوئی، ۱۳۸۱: ۹۲).

۲-۱-۳. قبول کارشناسی و اظهار نظر بی طرفانه

کارشناس یا کارشناسان منتخب، مکلف به قبول امر کارشناسی ارجاع شده از سوی مرجع رسیدگی کننده هستند و باید در نهایت بی طرفی و با رعایت کلیه قوانین و نظامات حاکم، ظرف مهلت مقرر شده از سوی مرجع ارجاع دهنده، نسبت به اظهار نظر فنی و تخصصی به صورت مستدل و صریح در مورد موضوع ارجاع شده اقدام نمایند مگر اینکه دارای عذری باشد که به تشخیص مرجع رسیدگی کننده موجه شناخته شود.

۲-۱-۴. اعلام نظر در مهلت معینه

رعایت مهلت تعیین شده برای اظهار نظر از سوی مرجع رسیدگی کننده برای کارشناس ضروری است مگر اینکه با توجه به موضوع کارشناسی، اظهار نظر در مدت مقرر امکان پذیر نباشد که در این صورت کارشناس می تواند از مرجع رسیدگی کننده، مهلت متناسب با موضوع مورد کارشناسی را تقاضا نماید که مرجع رسیدگی کننده نیز مهلت مناسب دیگری تعیین و مراتب را به کارشناس و طرفین اعلام می نماید.

۲-۱-۵. ادای توضیح یا تکمیل کارشناسی در صورت تقاضای دادگاه

در صورتی که نظریه کارشناس کامل نباشد و یا نیاز به اخذ توضیح از کارشناس لازم باشد، مرجع رسیدگی کننده این موضوع را در صورت جلسه درج نموده و کارشناس یا کارشناسان را برای ادای توضیح یا تکمیل تحقیقات احضار می نماید. در صورت عدم حضور کارشناس یا کارشناسان در وقت مقرر، از آنجا که نباید رسیدگی دعوی به این دلیل به تأخیر بیوفتد و موجب اطاله دادرسی گردد؛ قانونگذار اختیار جلب کارشناس را نیز به دادگاه اعطا نموده است. و چنانچه مرجع رسیدگی کننده پس از اخذ توضیح، نظریه کارشناس را ناقص تشخیص دهد قرار تکمیل کارشناسی را صادر و یا موضوع را به کارشناس یا کارشناسان دیگر محول می نماید (عمروانی، ۱۳۸۷: ۵۹).

۲-۲. جهات رد و معذوریت کارشناس در حقوق ایران

۲-۲-۱. جهات رد کارشناس

از جهات رد کارشناس می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله؛

- ۱- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین کارشناس با یکی از اصحاب دعوا.
- ۲- قیّم کارشناس یا یکی از طرفین و یا مباشر یا متکفل امور کارشناس یا همسر او بودن یکی از اصحاب دعوی.
- ۳- وارث یکی از اصحاب دعوی بودن کارشناس یا همسر یا فرزند او.
- ۴- اظهارنظر کارشناس در سابق به عنوان کارشناس، دادرس، داور و یا گواه.
- ۵- وجود دعوای حقوقی یا جزایی بین کارشناس، همسر و یا فرزند او با یکی از اصحاب دعوا، مگر دو سال از تاریخ صدور حکم قطعی گذشته باشد.
- ۶- نفع شخصی کارشناس، همسر و یا فرزند او در موضوع دعوا.

۲-۲-۲. مواد معذوریت کارشناس

موارد عبارتند از:

- بیماری مانع حرکت پدر یا همسر یا فرزند
- حوادث قهری مانند سیل، زلزله، حریق و...
- توقیف و یا زندانی
- ممنوع از کارشناسی شدن (موقت یا دائم)
- عدم آگاهی و تخصص لازم در موضوع کارشناسی، انجام کارشناسی از جانب مرجع قضایی دیگر (سعیدی، ۱۴۰۲: ۲۱۸).

۳. ادله رجوع به نظر کارشناس در فقه امامیه

رجوع به نظر کارشناس، امری است که طریقه عقلا بر آن استقرار یافته، سیره در مورد آن استمرار یافته، رد و منعی از طرف شارع نسبت به آن نشده بلکه آیات قرآنی نیز مؤید آن است (نابینی غروی، ۱۴۰۶: ۱۴۲).

۳-۱. کتاب

هرچند در قرآن مجید آیاتی که با صراحت دلالت بر وجوب رجوع به خبره کند وجود ندارد ولی با کمک روایات و تفاسیر می‌توان به مسئله کارشناسی پی برد که در ذیل به ذکر این آیات می‌پردازیم:

- آیه ذکر: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ، فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۳)

ترجمه: «و ما پیش از تو (ای محمد) نفرستادیم جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، پس از دانایان پرسش کنید اگر نمی‌دانید»

اما آنچه در این آیه بدان ظهور دارد این است که شخص ناآگاه باید از افراد آگاه پرسش کند تا برای وی و لو به صورت اجمال، علم و آگاهی حاصل شود. در این آیه وجوب پرسش مستلزم وجوب قبول و ترتیب اثر بر اوست و الا پرسش بیهوده است و هنگامی که قبول جواب پرسش واجب باشد هر چیزی که پرسش از آن صحیح است پذیرش آن واجب است، زیرا خصوصیتی در این نیست که حتماً قبل از پاسخ پرسش شود و در پاسخ پرسش مطلبی را گفته باشند (منتظری، ۱۴۰۹: ۱۵۹). در کلام خداوند تعالی «اهل الذکر» ظهور در اهل خبره داشته از این رو دلالت بر حجیت و اعتبار نظریه و گزارش اهل خبره دارد. در خصوص اینکه «اهل الذکر» چه کسانی هستند تفسیرهای مختلفی در بین مفسران مطرح شده است. بعضی آن را به قرآن تفسیر نموده‌اند به جهت اینکه «ذکر» از اسامی قرآن است... و لکن نظر صحیح و صواب آن است که مقصود از «اهل الذکر» همان صاحبان علم و دانش و بینش هستند، هر یک از این احتمالاتی که در تفسیر «اهل الذکر» گفته‌اند، بیان مصداقی از مصادیق آن بوده و در واقع تفسیر آیه به مصداق می‌باشد. چنانچه این شیوه متداولی در بسیاری از کتابهای تفسیری و نیز روایات است. بنابراین منظور و مقصود از کلمه «اهل» در این آیه این است که هر کسی که عالم و دانا باشد در موضوعاتی از موضوعات و مسئله‌ای از مسائل، متخصص بودن نسبت به یک موضوع را بیان می‌کند که می‌توان جهت رفع جهل بدان رجوع کرد (مکارم شیرازی ۱۴۱۶: ۲۳۰).

- آیه نفر: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ، وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/ ۱۲۲)

ترجمه: «چنین نیست که مؤمنان همه به یکباره کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان افرادی کوچ نمی‌کنند تا مسائل دینی را فرا بگیرند در دین تفقه کنند و آنگاه که به نزد قوم و عشیره خود برگشتند آنان را انداز کنند، شاید از نافرمانی خداوند حذر کنند».

در مورد این آیه نمی‌توان آن را فقط در مورد احکام الهی منحصر دانست، اگرچه مورد آن، ابتدا یادگیری و سپس بیان احکام الهی بوده است. روایت عبدالؤمن انصاری به نقل از امام صادق (ع)

است که در تفسیر این آیه می‌فرماید: (فامرهم ان ینفروا الی رسول اللّٰه (ص) فیتعلّموا ثم یرجعوا الی قومهم فیعلّموهم) ترجمه: «خداوند سبحان آنان را مأمور نموده که به نزد رسول خدا (ص) بروند و مسائل اسلام را فرا بگیرند، آنگاه به نزد قوم خود بازگردند و به آنان بیاموزانند» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۱).

۳-۲. سنت و سیره معصومین علیه السلام

در این زمینه می‌توان دو وجه را مورد استناد قرار داد:

۱- امضا و تقریر معصومین: در زمان معصومین و در مرثی و مسمع آن همواره رجوع به اهل خبره وجود داشته مثل رجوع به طیب و ... ولی آن بزرگواران هیچگاه از آن منع و ردع نکرده‌اند، یعنی به تعبیری آن را امضا کرده‌اند. البته مواردی از رجوع به خبرگان خاص مورد نهی معصومین قرار گرفته است مثل رجوع به قافه (قیافه شناس) برای الحاق و تشخیص نسب و رجوع به عراف (منجم و ستاره شناس). حضرت امیر المومنین (ع) نهی از رجوع به قافه و عراف کرده‌اند، زیرا که این افراد نوعاً نظر تخصصی نداشته و اکثراً دارای خطا در تشخیص بودند لذا، کارشناس محسوب نمی‌شدند و بر اساس حدس و گمان عمل می‌کردند (نجفی، ۱۳۶۲: ۵۵).

۲- قول و فعل معصومین: در مواردی حضرات معصومین دستور به کارشناسی داده‌اند یا حتی خود اقدام به استفاده از نظر کارشناس نموده‌اند که نشان دهنده پذیرش اجمالی رجوع به اهل خبره است که یکی از نمونه‌های بارز آن در امر کارشناسی در مورد حضرت علی (ع) است که شخصی به آن حضرت مراجعه نمود و ادعای او این بود که ضربه‌ای که به سرم وارد شده باعث از بین رفتن احساس بویایی من شده است ولی قاضی فقط به دیه ضربه سر و ارش آن رأی داده، به ناراحتی عمده من که فقدان بویایی است توجه نکرد. حضرت امر نمود که تحقیقات نمایند که شهود شهادت دادند قبل از حادثه بویایی مطلوبی داشته است. حضرت فرمودند قدری پنبه را آتش بزنیید و بعد از خاموش کردن شعله آن صبر کنید از حرارت بیفتد، آنگاه پنبه را دم سوراخ بینی آن بگیرند که اگر از چشم مجاور و مجرای بینی اشک جاری نشد، حضرت حکم به دیه دهند. همچنین روایات متعدد دیگری در مورد اهل خبره در ابواب مختلف وارد شده و در مقام بیان افراد صاحب فن (اهل خبره) است که دارای تخصص و مورد اطمینان می‌باشند، که به مواردی از آنها اشاره خواهیم کرد؛

۱- کلینی از محمد بن عبد الله حمیری و محمد بن یحیی جمیعا از عبد الله بن جعفر حمیری، از احمد بن اسحاق، از ابی الحسن امام علی نقی (ع) روایت نموده که از آن حضرت پرسش کردم و گفتم: با چه کسی مراد داشته باشم یا از چه کسی برنامه‌ها و دستورات دین را بگیرم، و قول چه کسی را قبول کنم؟ حضرت فرمود: «عمری مورد اعتماد من است، آنچه را که از من به تو می‌رساند از من است و آنچه از من برای تو می‌گوید، از سوی من به تو گفته، پس از وی شنوائی داشته باش و او را پیروی کن، چرا که او مورد اطمینان و امین است» (کلینی، ۱۴۰۸: ۱۳).

۲- روایتی که عبد العزیز بن مهتدی و حسن بن علی بن یقظین هر دو از امام رضا (ع) نقل کرده‌اند که می‌گوید به آن حضرت عرض کردم: من نمی‌توانم هر موقع که خواستم خدمت شما برسم و آموزش‌های دینم را از شما سؤال کنم، آیا یونس بن عبد الرحمن مورد اعتماد است که آموزش‌های دینم را از وی سؤال کنم؟ فرمود: بلی (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۰۷).

۳- روایت معروف از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به همین مسئله اشاره دارد: «انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان، و بعضکم الحن بحجتہ من بعض، فایما رجل قطع له من مال اخیه شیئا، فانما قطع له به قطعاً من النار»؛ در بین شما بر اساس سوگند و شاهد قضاوت می‌کنم، بعضی از شما در آوردن دلیل تواناتر از برخی دیگر است. اگر به ناحق و با توجه به دلیل، مالی را به او بدهم همانند این است که یک قطعه از آتش دوزخ را به او داده‌ام (همان: ۲۷).

۳-۳. اجماع

یکی دیگر از مواردی که می‌توان به عنوان منابع فقهی قاعده رجوع به عالم مطرح کرد اجماع می‌باشد. اجماع را می‌توان اتفاق نظر فقها در مسئله شرعی دانست به نحوی که کاشف از قول معصوم باشد. بر اساس نظر اجماعی فقها، اصل بر اعتبار و حجیت نظر اهل خبره است، و مهم‌ترین دلیل آن نیز سیره و بنای عقلا و حکم عقل در رجوع جاهل به عالم است؛ یعنی اساس نظامات انسانی بر همین اصل و قاعده استوار است. به خصوص در زندگی معاصر، زیرا مسلم است که انسان‌ها نمی‌توانند به تنهایی همه مسائلی که مربوط به زیست و زندگی بشری است، احاطه و آگاهی داشته باشند، پس تقسیم کار به وجود می‌آید. اساس، پایه و علت تقسیم کار، بر عدم تسلط همه انسان‌ها بر همه مسائل مرتبط با زندگی بشری است. در چنین ساختاری اصل مراجعه جاهل

به عالم و اعتبار کارشناسی امری است عقلی که نه تنها شرع از آن ردع و منع نکرده، بلکه نمی‌توانسته است به وجه عام و کلی آن را تحریم و بایکوت کند. پس به نظر می‌رسد اجماعی که از سمت فقها و عالمان دین نسبت به این قاعده صورت گرفته می‌تواند به عنوان منبع برای حجیت نظر کارشناس مطرح کرد چرا که همانگونه که بیشتر فقها بر این امر اتفاق نظر دارند و رجوع به اهل خبره و متخصص مورد وثوق را در ابواب مختلف فقه مطرح و دلیل خود را بنای عقلاء دانسته‌اند (بهرامی، ۱۳۹۶: ۳۶).

۳-۴. سیره عقلاء

یکی دیگر از منابع فقهی که به رجوع به نظر کارشناس مطرح می‌باشد و فقها آن را مهمترین دلیل ذکر کرده‌اند سیره عقلاء که متشکل از دو مقدمه می‌باشد:

۱- بیان سیره در جوامع و نظام‌های گوناگون و فرهنگ‌های مختلف در تمامی علوم و فنون و هر حرفه و صنعتی سیره بر رجوع جاهل بر عالم است.

۲- از آنجا که شارع از عقلاء بلکه رئیس ایشان است و ردعی از او نسبت به این سیره ثابت نشده و مخالفتی از جانب ائمه علیه السلام در روایات نسبت به این سیره (رجوع جاهل به عالم مورد وثوق) دیده نشده است. معلوم می‌شود با این سیره موافق است و نظرات اهل خبره (کارشناس) به نوعی علم عرفی است که اعتماد عقلاء را به خود جلب کرده است (همان: ۳۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطروحه نتایج زیر حاصل می‌گردد:

کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در حقوق موضوعه به رسمیت شناخته شده است. در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین دیگر ارجاع به کارشناس تابع نظامات خاص مطرح شده است. به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی و تخصصی شدن امور و تفکیک تخصص و همچنین با توجه به پیچیده شدن پرونده‌های دادگستری (مخصوصاً در زمینه‌های صنعتی، تصادفات، پزشکی و غیره که قاضی هیچ تخصصی در این زمینه ندارد) چاره‌ای جز استناد به نظریه کارشناس متخصص نداشته باشد مگر اینکه با ایراد نظر و دلایل موجه، عدم مطابقت نظریه کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم گردد. هرچند قانونگذار جهت اعتبار نظر کارشناس شرایطی را قرار داده است که در صورت محرز شدن آن شرایط، نظر کارشناس را معتبر می‌داند و امروزه در دادگاه‌ها وثاقت کارشناس را تنها شرط لازم و

کافی می‌دانند. حتی در پرونده‌های کیفری که برای تشخیص موضوع به پزشکی قانونی ارجاع شده و در فقه شرایط شهادت از جمله عدالت و تعدّد خبره در آن معتبر است، شرایط مذکور رعایت نمی‌شود. و این امر شاید به جهت کثرت پرونده‌ها و آسان نمودن جریان دادرسی باشد، چرا که احراز عدالت و تعدّد کارشناس (پزشک) به سهولت امکان‌پذیر نیست. به همین جهت نظریه‌ی پزشک مورد اطمینان، مورد استناد قرار می‌گیرد که البته در این صورت نمی‌توان نظریه‌ی پزشک را (در مواردی که در فقه بر لزوم شرایط شهادت تصریح شده است) دلیل قطعی مستقیم تلقی نمود. ولی وجود این شرایط هیچگونه دلالتی بر مکلف بودن قاضی به ترتیب اثر دادن نظر کارشناس در غیر از موارد عدم مطابقت با اوضاع و احوال محقق ندارد. فلذا قاضی در صورت لزوم به نظر کارشناس استناد خواهد کرد چرا که نظر کارشناس، اظهارنظری بیش نیست و قاضی نسبت به قبول یا رد آن مخیر است. و در اصل قاضی بر اساس اختیار وسیع خود به بررسی و ارزیابی ادله خواهد پرداخت. در خصوص مبنای اعتبار فقهی کارشناس (اهل خبره) نیز روشن می‌گردد که با بررسی ادله اعتبار نظر کارشناس و اهل خبره مخصوصاً در کتاب، سنت و همچنین عقل می‌توان حجیت نظر اهل خبره را به عنوان یکی از ادله اثبات چه در مسائل حقوقی و چه در امور کیفری اثبات نماید. مهمترین دلیل اعتبار رجوع به نظر کارشناس، سیره عقلا بر رجوع به اهل خبره در همه زمان‌ها و مکان‌ها است. فقها وجود و استقرار چنین سیره‌ای را ثابت و مسلم دانسته‌اند و با عدم ردع از آن توسط شارع، آن را مورد تأیید دانسته‌اند.

لذا باتوجه به مطالب فوق پیشنهاد می‌گردد:

- مکلف کردن قضات به ارجاع امور فنی به کارشناسان در متون و لوایح قانونی.
- مکلف کردن قضات به ارائه استدلال فنی و حقوقی در صورت عدم پذیرش نظرات کارشناس.
- در قوانین مدنی و کیفری در راستای ارتقای ارزش اثباتی نظریه کارشناس بازنگری صورت گیرد.

منابع

- ۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ دهم، ج ۲.
- ۲- آذرپور، حمید؛ غلامرضا، حجتی اشرفی، مجموعه‌ی محشای بخشنامه‌های ثبتی، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۵، چاپ نهم.
- ۳- بازگیر، یدالله؛ منتخب آرای دیوان عالی کشور پیرامون مسائل و موازین حقوق ثبت، تهران: فردوسی، ۱۳۸۲، چاپ دوم.
- ۴- باقرپور، یوسف‌علی، «کارشناسی امور کیفری در حقوق ایران و فرانسه»، نشریه‌ی بصیرت (سال دهم)،

شماره ۳۰-۳۱.

- ۵- بهرامی، بهرام، اجرای احکام کیفری، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی نگاه بین، ۱۳۸۳، چاپ سوم.
- ۶- حسینی نژاد، حسینقلی، ادله اثبات دعوی، چاپ ۱، تهران: انتشارات دانش نگار، ۱۳۸۱، چاپ اول.
- ۷- خوئینی، غفور، ادله اثبات دعوی و بررسی تطبیقی آن، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۱، چاپ اول.
- ۸- ساعتچی، حسین، قانون روابط موجر و مستأجر، تهران: مجد، ۱۳۸۵، چاپ پنجم.
- ۹- سعیدی، یاسمن، ادله اثبات دعوی، تهران: نوآوران دانش، ۱۴۰۲، چاپ اول.
- ۱۰- شمس، عبدالله، ادله اثبات دعوی، تهران: دراک، ۱۳۸۷، چاپ دوم.
- ۱۱- شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲، چاپ سیزدهم.
- ۱۲- صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان، ۱۳۸۲، چاپ ششم.
- ۱۳- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) مسالک الافهام، بیروت: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق، چاپ چهاردهم.
- ۱۴- عاملی، حرّ محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، چاپ اول.
- ۱۵- عمروانی، رحمان، بررسی ماهیت کارشناسی معاینه محل و تحقیق محلی، نشریه حقوق ماهنامه کانون، ۱۳۸۷.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، تهران: یلدا، ۱۳۷۵، چاپ اول.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (شفعه، وصیت، ارث)، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، چاپ سوم.
- ۱۸- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق، چاپ هشتم.
- ۱۹- گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه‌ی مهدی کی‌نیا، تهران: مجد، ۱۳۸۵، چاپ دوم.
- ۲۰- مدنی، سید جلال‌الدین، آیین دادرسی کیفری. تهران: پایدار، ۱۳۷۸، چاپ دوم، ج ۲ و ۱.
- ۲۱- مدنی، سید جلال‌الدین، ادله اثبات دعوی، تهران: انتشارات پایدار، ۱۳۸۶، چاپ دهم.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، تهران: مطبوعات هدف، ۱۴۱۶ق، چاپ دوم.
- ۲۳- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق، چاپ دوم.
- ۲۴- واحدی، قدرت‌الله، با بسته‌های آیین دادرسی، تهران: میزان، ۱۳۷۹، چاپ اول.